

دوتا ۳۸۱	عهد جدید / ۳۷
	مکاشفه ۱
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز مکاشفه فصل ۱ را معرفی می‌کنیم. بخش ۱ کتاب مکاشفه شامل فصول ۱-۳ است. "مکاشفه فصل ۱" تعلیم می‌دهد که مسیح در میان تمامی کلیساهای مسیحی جهان حضور دارد. عدد هفت، سمبولیک و معرف کمال و تمامیت الهی و هدف خدا است که همواره تحقق می‌یابد. مکاشفه فصل ۱ را می‌توان به هفت بخش تقسیم کرد.

بخش ۱. "مکاشفه ۱: ۱-۳ دربرگیرنده عنوان کتاب، شرح مبدا آن، زمان تحقق و اولین برکت است".
یک. "عنوان کتاب مکاشفه این است: "مکاشفه عیسی مسیح". این کتاب، مکاشفه یا پرده‌برداری از نقشه خدا برای تاریخ جهان و بخصوص کلیسا با استفاده از رویاها است.

"مبداء این کتاب" مبداء انسانی نیست. مکاشفه‌ای است که خدا به عیسی مسیح عطا کرد. برای مثال، در فصل ۵، خدای پدر به عیسی مسیح، آن واسطه، طوماری داد "که بر هر دو طرف آن نوشته شده بود و با هفت مُهر، آن را مُهر و موم کرده بودند" و تنها او لیاقت داشت آن را بگشاید. این طومار نمادی است از نقشه خدا برای تاریخ جهان حاضر و کلیسا. خدا حاکمیت بر کل جهان را در جهت مصلحت کلیسا به عیسی مسیح عطا کرد (افسیان ۱: ۲۲). در مقابل عیسی مسیح «نشان داد» (۱: ۱)، یعنی این مکاشفه را با استفاده از رویاها بیان کرد، و «آشکار ساخت» (۱: ۱)، یعنی این مکاشفه را از طریق علائم، نمادها و اعداد بواسطه یک فرشته از طریق یوحنا رسول برای کلیسایش باز کرد. "کلید نخست برای تشریح کتاب مکاشفه درک این مطلب است که «نمادهای» این کتاب را باید بطور سمبولیک فهمید، نه تحت‌اللفظی. نمادها نمایانگر واقعیات عینی هستند که از معنی لفظی خود نمادها بسیار فراتر می‌روند". برای مثال، عیسی مسیح خود نماد «چراغ‌انها» را کلیساهای واقعی (۱: ۲۰) و «ستاره‌ها» را فرشتگان یا رهبران این کلیساها (۱: ۲۰) تفسیر می‌کند.

دو. "وقوع مسائلی که در کتاب مکاشفه آشکار شده‌اند چه موقع آغاز می‌شود؟" آیه ۱ می‌فرماید که نقشه خدا «بزودی تحقق می‌یابد» و آیه ۳ می‌گوید که زمان وقوع این رویدادها «چندان دور نیست». این نمی‌تواند به آینده خیلی دور اشاره داشته باشد و در واقع هنگامی آغاز شد که مسیح این مکاشفه را به یوحنا داد. "کلید دوم برای تشریح کتاب مکاشفه درک این نکته است که مطالب آشکار شده در کتاب بلافاصله پس از آمدن نخستین مسیح شروع به تحقق یافتن کرد، و تحقق آنها در طول قرون تا بازگشت مسیح ادامه خواهد داشت".

سه. برکت از آن کسانی است که کتاب را خوانده و شنیده و آنرا در قلب خود نگاه دارند. از آنجایی که در آن زمانها کتابها هنوز دست‌نویس بودند، پس تنها نسخه‌های محدودی از آنها در دسترس بود و خوانندگانی بکار گرفته می‌شدند تا کتاب‌مقدس را در مجامع عمومی قرائت کنند (اول تیموتائوس ۴: ۱۳). کتاب مکاشفه نیز در کلیساها با صدای بلند برای همگان خوانده می‌شد. "کلید سوم برای تشریح کتاب مکاشفه درک این نکات است که پیام کتاب شامل حال مسیحیان همه قرون می‌شود، برای خواننده برکت است و پیامش دلگرمی فوق‌العاده‌ای برای مسیحیان تمام اعصار می‌باشد".

بخش ۲. مکاشفه ۱: ۴-۶ شامل دریافت‌کنندگان، سلامها و کلمات ستایش‌آمیز خطاب به خدای با شخصیت سه‌گانه است.
یک. "دریافت‌کنندگان چه کسانی بودند؟" عیسی مسیح قبل از هر چیز نقشه خدا را برای هفت کلیسای تاریخی در آسیای صغیر، که ترکیه امروزی است، آشکار کرد. اما در مکاشفه فصول ۲ و ۳، عیسی مسیح به همه کلیساهای جهان فرمان می‌دهد که تمامی نامه‌هایش را بخوانند. می‌فرماید، "هر که این را می‌شنود، خوب توجه کند که روح خدا به کلیساها (جمع) چه می‌گوید (۲: ۷)". پس، عدد هفت یک نماد است و معرف همه کلیساهای جهان در طول تاریخ است. "کلید چهارم برای تشریح کتاب مکاشفه درک این نکته است که در این کتاب اعداد نیز سمبولیک هستند. اعداد نمایانگر واقعیات عینی هستند که از معنای تحت‌اللفظی خود اعداد بسیار فراتر می‌روند". این هفت کلیسا نشانگر تمامیت کلیسا در سرتاسر تاریخ از زمان آمدن نخستین تا بازگشت مسیح هستند. هدف از هفت نامه و نیز کل کتاب مکاشفه هشدار دادن به کلیه کلیساهای جهان و تشویق کردن آنها است. مکاشفات کتاب مکاشفه در مورد اصول و وقایعی هستند که چنان از لحاظ مقیاس خود وسیعند که نمی‌توان آنها را به سال، دوره زمانی یا قرن خاصی محدود کرد. آنها در طی تمام قرون، بین اولین و دومین آمدن عیسی مسیح اتفاق می‌افتند. آغاز و پایان کتاب مکاشفه (۱: ۳ و ۲۲: ۱۸) کاملاً روشن می‌سازد که عیسی مسیح صرفاً برای گروهی از مردم که در یک دهه از قرن اول زندگی می‌کردند از خود سخن نمی‌گوید، بلکه برای "هر کسی که کلمات نبوت این کتاب را می‌خواند یا می‌شنود".

دو. "سلامهایی از سوی خدای تثلیث". تثلیث از ترتیب موجود در معبد عهد عتیق تبعیت می‌کند. خدای پدر در بالای صندوقچه عهد در قدس‌الاقداس ساکن بود، چراغانی که در قدس قرار داشت نمایانگر خدای روح‌القدس بود و خون زیر قربانگاه قربانی‌های سوختنی در صحن معبد معرف خدای پسر و کفاره او بودند. خدای پدر «آنکه هست و آنکه بود، و آنکه خواهد بود» نامیده می‌شود زیرا او خدای تغییرناپذیر عهد است (خروج ۳: ۱۴). خدای روح‌القدس، "روح هفتگانه مقابل تخت نامیده می‌شود" تا نشان داده شود که در وجود و عملکرد خود خدای کامل است. و خدای پسر، «شاهد امین» نامیده می‌شود که معرف کار او در تاریخ جهان است. وی «نخست‌زاده» نامیده می‌شود تا نشان داده شود که او خلق نشد، بلکه از قبل بود، و بی‌نظیر و برتر از تمامی خلقت و اولین کسی است که از مردگان قیام کرد. او «فرمانروای اقوام» نامیده می‌شود تا موقعیت رفیع کنونی و اقتدار او در آسمان مشخص شود. تنها او عهده‌دار سرنوشت همه ملل است.

سه. "کلمات ستایش‌آمیز در مورد کار بی‌نقص و کامل نجات توسط عیسی مسیح". عیسی مسیح تنها گناهان ما را پاک نکرد، بلکه با مرگ خود بر روی صلیب ما را از گناهانمان آزاد نمود. منظور این است که کار کامل عیسی مسیح برای نجات قوم خود به عادل‌شمرده شدن یا نجات محدود نیست، بلکه تقدیس و تجلیل نهایی آنها را نیز در بر دارد (رومیان ۸: ۳۰). از این روست که مسیح نسبت به آنها محبتی بی‌پایان دارد.

مسیح، کلیسا را ملکوت و تمام مسیحیان را کاهنان می‌خواند. در عهد عتیق این توصیف برای اسرائیل بکار می‌رفت (خروج ۱۹: ۶)، ولی در عهد جدید شامل حال کلیسا و مسیحیان سراسر دنیا می‌شود. قوم خدا، اسرائیل، برکنار یا جایگزین نمی‌شود، بلکه ادامه و توسعه می‌یابد تا ایماندارانی از همه اقوام را دربر گیرد. کلیسا، ملکوت خدا خوانده می‌شود، زیرا قانون مقتدرانه خدا در دل‌های مسیحیان تصدیق می‌شود و در زندگیشان عمل می‌کند. قانون حاکمانه خدا نجات آنها از ابتدا تا انتها، تشکلاتشان به عنوان جامعه خدا در جهان، نفوذشان به عنوان نور و نمک در این جهان، و بالاخره عالم بازخرید شده آسمان و زمین جدید به هنگام بازگشت را تحت تأثیر قرار دهد.

بخش ۳. "مکاشفه ۱: ۷ شامل اعلام بازگشت مسیح است"

این آیه می‌فرماید، "بنگرید. او سوار بر ابرها می‌آید. هر چشمی او را خواهد دید؛ حتی آنانی که به پهلوئی او نیزه زدند، او را خواهند دید؛ و تمام قوم‌های جهان از شدت وحشت و اندوه خواهند گریست."

یک. "موضوع اصلی کتاب مکاشفه بازگشت مسیح نیست". موضوع غالب و اصلی کتاب مکاشفه آشکارسازی نقشه خدا برای تاریخ و کلیسای اوست. فصول ۱-۱۱ نشان می‌دهند که کلیسا، مسکن مسیح است و از سوی جهان مورد جفا قرار می‌گیرد. داد کلیسا ستانده می‌شود و محفوظ و پیروز است. فصول ۱۲-۲۲ زمینه روحانی عمیقتر این جدال را آشکار می‌کند. در واقع این جدالی است بین مسیح و اژدها و در این نبرد مسیح پیروز است.

دو. بازگشت مسیح هم برای مسیحیان و هم برای غیرمسیحیان ناگهانی و غیرمنتظره خواهد بود. تنها یک بازگشت برای عیسی وجود دارد و آن بازگشت، برای همه مردم روی زمین قابل دیدن و شنیدن خواهد بود. در هیچ جای کتاب مقدس اشاره‌ای به دوبار بازگشت عیسی نمی‌شود و در آن مطلبی در مورد بازگشت غیر قابل رویت و مخفیانه عیسی مسیح وجود ندارد. بر عکس، "هر چشمی آنرا خواهد دید". متی ۲۴: ۲۷-۳۱ می‌فرماید تمام مردم دنیا خواهند دید که عیسی مسیح در میان ابرهای آسمان، با قدرت و شکوهی خیرمکننده می‌آید و فرشتگان بیشماری او را همراهی می‌کنند (دانیال ۷: ۱۳؛ زکریا ۱۲: ۱۰-۱۲). بازگشت مانند برق آسمان که در یک لحظه از شرق تا غرب را روشن می‌سازد قابل مشاهده خواهد بود (متی ۲۴: ۲۷). همه انسانهای روی زمین خواهند شنید که شیپوری با صدای بلند پایان تاریخ این جهان را اعلام می‌کند (متی ۲۴: ۳۱؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶).

گشودن مهر ششم در مکاشفه ۶: ۱۲-۱۷ فاجعه‌ای بزرگ در انتهای دوره حاضر عهد جدید را اعلام می‌کند. تمام جهان نابود و نسل بشر بشدت وحشت‌زده خواهد شد. زلزله بزرگی رخ می‌دهد، خورشید، تاریک می‌شود، ستارگان از آسمان بسوی زمین فرو می‌ریزند، و کوهها و جزیره‌ها از جای خود کنده می‌شوند. بازگشت برای همه کاملاً قابل دیدن و شنیدن است. رهبران سیاسی و نظامی تمام کشورها، افراد ثروتمند و بانفوذ و نیز همه بی‌ایمانان دیگر تلاش می‌کنند از حضور عیسی مسیح و غضب او بر علیه بی‌عدالتی‌ها و شرارت‌هایی که بر روی زمین انجام داده‌اند، پنهان شوند. آنها همان عیسی مسیحی را خواهند دید که میخکوب کردند، چه بطور واقعی از طریق مصلوب کردن و یا بطور سمبولیک از طریق داشتن زندگی نامطیع بر روی زمین (عبرانیان ۶: ۶؛ ۱۰: ۲۶-۳۱). همه آنها بخاطر عیسی مسیح ماتم خواهند گرفت. با اینحال ماتم آنها ماتم نشات گرفته از توبه نیست، بلکه ماتمی از سر درماندگی و نومیدی است (مکاشفه ۶: ۱۶-۱۷).

بخش ۴. "مکاشفه ۱: ۸ توصیف مسیح از خود است"

این آیه می‌فرماید، "«من الف و یا هستم. من ابتدا و انتها هستم.» این را خداوندی می‌فرماید که صاحب تمام قدرتهاست، و هست و بود و باز خواهد آمد." متن، نشان می‌دهد که اینها کلمات عیسی مسیح هستند (۱: ۱۷، ۲۱: ۶-۸؛ ۲۲: ۱۲-۱۳). از مقایسه آیه ۴ با آیه ۸، در می‌یابیم که عیسی مسیح ادعا می‌کند او و خدای پدر، یک هستند (یوحنا ۱۰: ۳۰)، و او مکاشفه کامل، بی‌نقص و ابدی خدا برای انسان است (کولسیان ۱: ۱۵؛ عبرانیان ۱: ۳). عیسی مسیح برای تشویق کردن مسیحیان خود را معرفی می‌کند. به همه مسیحیان سرتاسر دوره عهد جدید می‌فرماید، "دل قوی دارید. دشمن شما قادر نیست مسیحتان را نابود کند".

بخش ۵. "مکاشفه ۱: ۹ ماموریت یوحنا را در بر دارد."

این بخش شامل توصیفی است توسط یوحنا در مورد اینکه چطور ماموریت یافت کلمات و رویاهای مکشوف شده بر خود را بنویسد.

یک. "ستمگران رومی بین سالهای ۸۱-۹۸ میلادی یوحنا را به جزیره صخره‌ای کوچکی بنام پطمس، در کناره ساحل ترکیه تبعید کردند. او بدلیل بشارت وفادارانه‌اش در مورد عیسی مسیح به آنجا تبعید شد.

دو. "یوحنا در روز خداوند رویا و ماموریت خود را دریافت کرد". او در روح بود، یعنی بدون چشمان جسمانی‌اش دید و بدون گوشهای جسمانی‌اش شنید که مسیح با او گفتگو می‌کند. صدای بلندی شبیه صدای شیپور شنید. در طول دوران عهد عتیق نیز هرگاه خدا می‌خواست با قوم خود سخن گوید آنها را با صدای شیپور دور هم جمع می‌کرد (خروج ۱۹: ۱۶).

سه. خداوند عیسی مسیح به یوحنا فرمان می‌دهد که آنچه را می‌بیند و می‌شنود، بر روی طوماری ثبت کند. بر اساس مکاشفه ۱: ۹ و ۱۰: ۴، یوحنا این رویاها را در حین دریافت آنها یا کمی بعد از آن نوشت.

بخش ۶. "مکاشفه ۱: ۱۲-۱۶ شامل رویای پسر انسان است".

یوحنا در رویای خود هفت چراغدان طلایی می‌بیند و در میان آنها کسی را مشاهده می‌کند که شبیه پسر انسان است. یک "چراغدانها". در طول دوران عهد عتیق تنها یک چراغدان وجود داشت که دارای هفت پایه و بر روی هر پایه یک چراغ بود. این معرف روح القدس و سمبل اتحاد کلیساگونه اسرائیل در عهد عتیق بود و آن اتحاد اتحادی تشکیلاتی بود. اما در طول دوران عهد جدید هفت چراغدان وجود دارد و بر روی هر کدام از آنها چراغی قرار دارد. آنها نمایانگر همه کلیساهای دوره عهد جدید از آمدن اولیه تا بازگشت مسیح است که هر کدام مستقلاً با مسیح متحد هستند و این اتحاد، اتحادی روحانی است (۲: ۷). پس، در طول دوره عهد جدید کلیساهای مسیحی دیگر اتحاد خود را در نهادی بیرونی و قابل رویت جستجو نمی‌کنند، بلکه آن را در اتحاد روحانی با یکدیگر از طریق ارتباطشان با مسیح که در میان کلیساها حاضر و فعال است، و از طریق روح القدس می‌یابند (متی ۱۸: ۲۰؛ ۲۸: ۲۰).

دو. پسر انسان توصیفی است که خود عیسی مسیح از خودش دارد (دانیال ۷: ۱۳). او با قدرت و شوکت، هیبت و حرمت آراسته بود، آنچنان که چشم از نگریستن به او آزرده می‌شد. او به عنوان پادشاه و کاهن اعظم آشکار شد (زکریا ۶: ۱۳؛ مزمور ۱۱۰)، در حالیکه جامه‌ای با کمر بند طلایی در اطراف سینه‌اش (۱۵: ۶) به تن داشت که نماد بزرگی و داوری است. چشمانش درون دلها را می‌خوانند و در هر زاویه پنهانی رخنه می‌کنند. پاهایش برای له کردن بدکاران، قدرتمند و درخشان هستند. از دهانش شمشیر دولبه‌ای بیرون می‌آید، که نمادی است از کلامش که معلمین و واعظین دروغین کلیساها را افشا و محکوم می‌کند (۲: ۱۶) و بدکاران و نیروهای جفاکار جهان را می‌زند (۱۹: ۱۵). در اینجا مسیح در انتهای اعصار برای داوری نهایی ظهور نمی‌کند، بلکه در سراسر عهد جدید ظهور می‌کند تا کلیسای خود را تصفیه کند و دشمنانی که کلیسایش را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، چنانکه از هفت نامه عیان است، مجازات کند. کلامش هرگز از مقصودش جدا نیست (اشعیا ۵۵: ۱۱).

بخش ۷. "مکاشفه ۱: ۱۷-۲۰ شامل تسلی و راهنمایی مسیح برای یوحنا است"

این بخش تأثیری را که این رویا بر یوحنا داشت و تسلی و راهنمایی را که وی از مسیح دریافت کرد، توضیح می‌دهد. یک. "رویای مسیح چه تأثیری بر یوحنا داشت؟" وقتی یوحنا این رویای فوق‌العاده از مسیح را دید، مانند مرده بر زمین افتاد. رویا کاملاً او را فلج کرد. اما مسیح او را تسلی داد و فرمود، "نترس. من ابتدا و انتها هستم. من زنده بودم و مردم، و حال تا به ابد زنده‌ام، و کلیدهای مرگ و عالم مردگان را در دست دارم." عیسی مسیح متناسب با هویت الهی خود، زنده ابدی است، که مبدا و مقصد ندارد. در کنار طبیعت الهی خود، طبیعت انسانی نیز بر خود گرفت و حدود دو هزار سال پیش وارد آفرینش و تاریخ بشری شد. از جنبه طبیعت انسانی خود یکبار در طول تاریخ برای کل بشریت جان داد، و با اینحال «پیوسته زنده» بوده است. این بدین معناست که در تمام مدتی که جسم انسانی مسیح مرده بود، جان یا روحش زنده بود. به هنگام مرگش جان یا روحش در دستهای خدای پدر بود (لوقا ۲۳: ۴۶). علیرغم آنکه بدن انسانی‌اش توسط دشمنانش دچار مرگ شد، لیکن جان یا روحش هرگز نمرد و در روز سوم بدنش از مردگان برخاست. این حقیقت، تسلی فوق‌العاده‌ای است برای همه مسیحیانی که در اثر جفا، جان خود را از دست می‌دهند. مرگ و عالم مردگان نتوانست طبیعت انسانی عیسی مسیح را در اسارت خود نگاه دارد. به همین ترتیب، مرگ و عالم مردگان قادر نیست و نخواهد بود که مسیحیان را اسیر نگاه دارد (۱۳-۱۴).

دو. "کلیدهای مرگ و عالم مردگان چه هستند؟" عیسی مسیح کلیدهای مرگ و عالم مردگان را در دست دارد. «کلیدها» سمبل اقتدار برای گشودن و قفل کردن هستند. در اینجا عیسی مسیح بر مرگ و عالم مردگان قدرت و اقتدار دارد. در این بخش منظور از «عالم مردگان»، «جهنم» یا «قبر» نیست، بلکه به «وضعیت مرگ» اشاره دارد، یعنی، «وضعیتی که در آن جان از بدن جداست». عیسی مسیح بر مردن و وضعیت موت قدرت و اقتدار کامل دارد. وقتی که شخصی مسیحی می‌میرد، بدنش در قبر زمینی از بین می‌رود، ولی عیسی مسیح بلافاصله در آسمان روح یا جانش را می‌پذیرد. عیسی مسیح به هنگام بازگشت خود جسم شخص مسیحی را احیا و جان یا روحش را با بدن قیام کرده یا تبدیل شده‌اش متحد می‌کند. بنابراین برای کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند «مردن» یا «وضعیت موت» دیگری هیچ هیبتی ندارد. برای مسیحیان «مردن» یعنی رهایی از این جهان شرور و آزادی از ضعفها و رنجهای بدن کنونی. برای مسیحی «وضعیت موت» یعنی وارد شدن فوری به حضور عیسی مسیح و بودن در کنار مسیح برای ابد (دوم قرن‌تیان ۵: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۳).

سه. "یوحنا باید چه چیزی را در طومار خود ثبت کند؟" عیسی مسیح به یوحنا فرمان می‌دهد که بر روی طوماری، آنچه را دیده ثبت کند و برای کلیساها بفرستد. آنچه یوحنا دیده عبارت است از «چیزهایی که اکنون هست» و «چیزهایی که بعد از این چیزها در شرف وقوع هستند». سوال این است که آیا مطالب توصیف شده در مکاشفه مربوطه به آینده بسیار دور هستند یا به زمان حال خواننده مربوط می‌شوند. از آیه ۱۹ فصل ۱ نمیتوان برداشت کرد که محتوای این آیه به آنچه در گذشته دیده شده است و به «آنچه اکنون هست» در زمان حاضر از فصل ۲ و ۳ و به «آنچه در آینده دور درست قبل از بازگشت مسیح رخ خواهد داد»، از فصول ۴-۲۲، اشاره می‌کند. رویاهایی که به یوحنا داده می‌شود در طول قرن اول از قبل در حال وقوع بود و در طول قرون بین آمدن اولیه و بازگشت مسیح ادامه می‌یابد. «چیزهایی که اکنون هستند» به شرایط تاریخی هفت کلیسا در زمان یوحنا اشاره دارد. پس یوحنا درباره شرایط کلیساها، در زمانی که برای ما گذشته است، نوشت. «چیزهایی که بعد از

این چیزها در شرف وقوع هستند» آن چیزهای هستند که در کل زمان آینده نسبت به یوحنا، و در عین حال بین آمدن اولیه و بازگشت عیسی مسیح رخ می‌دهند. پس، یوحنا در مورد اصول و رویدادهای عمومی که مسیحیان ممکن است در سرتاسر عهد جدید، از آمدن اولیه تا بازگشت عیسی مسیح، توقع وقوعشان را داشته باشند، نوشت. بر اساس آیه ۳، زمان رخ دادن این رویدادها درست هنگامی آغاز شد که عیسی مسیح آنها را به یوحنا مکشوف کرد. پس، کتاب مکاشفه منحصرأ به رویدادهای قبل از بازگشت اشاره ندارد، بلکه وقایعی را که در طول دوره عهد جدید بارها و بارها تکرار می‌شوند و نیز وقایع زمان بازگشت مسیح را شامل می‌شود.

پس کتاب مکاشفه کتابی تشویقی برای مسیحیان همه اعصار و نقاط روی زمین است. پیام آن این است که عیسی مسیح و کلیسای او در نبرد بین مسیح و اژدها پیروز خواهند بود. صرف نظر از اینکه بر روی زمین چه اتفاقی بیفتد، عیسی مسیح فرمانروای پادشاهان زمین است (۵).

چهار. "هفت ستاره چه کسانی هستند؟" هفت ستاره که در دست راست عیسی مسیح هستند سمبل رهبران کلیساها می‌باشند (۱: ۲۰). آنها به هفت فرستاده‌ای که از سوی هفت کلیسا به ملاقات یوحنا فرستاده شده بودند اشاره دارند، زیرا یوحنا مجبور شد برای هر کدام از آنها نامه بنویسد. در عوض آنها به نماینده یا پیر هر کلیسا اشاره دارند. عیسی مسیح رهبران را به هنگام انجام وظیفه هدایت کلیساها در دست خود نگاه می‌دارد (یوحنا ۱۰: ۲۸). این دلگرمی بزرگی برای آنهاست. عیسی مسیح بر رهبران کلیسا اقتدار مطلق دارد و این رهبران تنها سفیران و خادمین او هستند. عیسی مسیح رهبران کلیساها را محافظت می‌کند و آنها تا زمانی که مطیع مسیح بوده و وفادارانه او را خدمت کنند در امان هستند.

تکلیف برای روز بعد

- اول.** مکاشفه فصلهای ۲ الی ۳ را بخوانید. فردا مکاشفه ۲-۳ را مطالعه می‌کنیم.
- دوم.** کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم
- سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.